

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول - کلیات	۱۱
مبحث اول - ماهیت مجازات‌های بدنی و انواع آن	۱۳
گفتار اول - مجازات‌های بدنی سالب حیات	۱۳
گفتار دوم - مجازات‌های بدنی غیر سالب حیات	۲۳
مبحث دوم - تحول اجرای احکام کیفری بدنی در ایران	۳۲
گفتار اول - دوران باستان	۳۳
گفتار دوم - دوران بعد از اسلام تا دوران معاصر	۳۷
گفتار سوم - دوران معاصر	۴۰
فصل دوم - حکم لازم الاجرا و مسئولیت اجرای حکم؛ بررسی پرونده جهت اجرا و اشخاص حاضر در صحنه اجرای حکم؛ موانع اجرای مجازات‌های بدنی	۴۳
مبحث اول - حکم لازم الاجرا و مسئولیت اجرای حکم	۴۴
گفتار اول - حکم لازم الاجرا	۴۴
گفتار دوم - مسئولیت اجرایی حکم	۴۸
مبحث دوم - بررسی پرونده جهت اجرای حکم و اشخاص حاضر در صحنه اجرا	۵۶
گفتار اول - بررسی پرونده جهت اجرای حکم	۵۶
گفتار دوم - اشخاص حاضر در صحنه اجرای مجازات‌های بدنی و وظایف آن‌ها	۶۵
مبحث سوم - موانع اجرای مجازات‌های بدنی	۷۷
گفتار اول - موانع دایمی اجرای مجازات‌های بدنی	۷۷
گفتار دوم - موانع موقت مجازات‌های بدنی	۸۸
فصل سوم - کیفیت اجرای حکم مجازات‌های بدنی	۱۱۱
مبحث اول - بررسی بی‌حس نمودن اعضاء در اجرای مجازات‌های بدنی	۱۱۲
گفتار اول - حدود	۱۱۲

گفتار دوم - تعزیرات	۱۱۹
گفتار سوم - قصاص	۱۲۰
مبحث دوم - کیفیت اجرای مجازات‌های سالب حیات	۱۲۴
گفتار اول - طرز اجرای مجازات‌های سالب حیات	۱۲۶
گفتار دوم - تشریفات و ترتیبات اجرای مجازات‌های سالب حیات	۱۵۵
مبحث سوم - کیفیت اجرای مجازات‌های قطع	۱۶۷
گفتار اول - طرز اجرای مجازات قطع به عنوان قصاص	۱۶۷
گفتار دوم - طرز اجرای مجازات قطع به عنوان حد	۱۷۳
مبحث چهارم - کیفیت اجرای مجازات شلاق	۱۸۴
گفتار اول - زمان ، مکان و ابزار مورد استفاده در مجازات شلاق	۱۸۴
گفتار دوم - طرز اجرای مجازات شلاق	۱۸۹
گفتار سوم - اشکالات اجرایی مجازات شلاق	۲۰۰
نتیجه‌گیری	۲۰۳
فهرست منابع	۲۱۵

مقدمه

جامعه برای تنظیم روابط اجتماعی میان مردم و حفظ اساسی‌ترین ارزش‌های حاکم بر روابط آن‌ها ناچار است علیه بزهکاری و هنجارشکنی از خود واکنش نشان دهد؛ زیرا همیشه افرادی میان اعضای جوامع وجود دارند که منافع خود را از طریق نقض قوانین و مقررات تأمین می‌کنند. پس واکنش قهرآمیز متولیان اداره جامعه با این افراد برای ادامه حیات و حفظ نظم و امنیت جامعه امری ضروری است. ولی این واکنش نباید همانند واکنش فردی زیان دیده و یا خویشاوندان او خشن و کورکورانه باشد و نوعی انتقام جویی تلقی شود. واکنش جامعه باید به شکلی سامان یافته و با توجه به اهداف خاصی ابراز شود.

پدیده مجرمانه، عمری به قدمت اجتماعات انسانی دارد به عبارت دیگر از آغاز پیدایش انسان، جرم و لغزش و به دنبال آن، کیفر و مجازات پدید آمد.

بنابراین ضمانت اجرای جرم، یعنی رفتار ناقض قوانین کیفری، قرن‌ها واکنشی به نام کیفر بوده است. از آنجا که ارتکاب جرم موجب بروز درد جسمانی - روانی برای بزه دیده می‌شده است، اعمال مجازات نسبت به بزهکار در واقع وسیله و مناسبی برای تحمیل رنج و عذاب مشابه به او بوده است. کیفرهای بدنی متعدد در قانون نامه‌های بین‌النهرین، رومی، یونانی و نیز در آیین کیفری عبرانی و تنوع اشکال این نوع کیفرها تا اواخر سده نوزدهم میلادی، حاکی از آن است که رسالت اصلی مجازات مدت‌ها اخلاقی بوده عمدتاً مکافات و سزا دادن بزهکار را دنبال می‌کرده است. (کارکرد اخلاقی)

با تحولات فرهنگی، صنعتی و اجتماعی و گسترش جوامع، سیاهه جرم در قانون متنوع شد و موارد ارتکاب آن نیز افزایش یافت؛ تا ظهور مکاتب فلسفی و کیفری، بزهکار، فردی تلقی شد که پس از محاسبه هزینه کیفری جرم و فایده و لذت جرم تصمیم به ارتکاب آن می‌گیرد. در این بستر اجتماعی و فکری بود که کیفر، با توجه به جامعه و مرتکبان بالقوه جرم، دارای کارکرد

سودمندانه شد (کارکرد فایده‌گرایی). بدین ترتیب کیفر افزون بر سزادهی به بزهکار، باید برای او و آن دسته از اعضای جامعه که وسوسه ارتکاب جرم در سر می‌پرورانند ارباب انگیز و عبرت آموز (بازدارندگی کیفری) و برای بزهکاران خطرناک پردازآمیز نیز باشد (سلب کیفری توان بزهکار) بنابراین هر کشوری با توجه به وضع اقتصادی، سیاسی، تحولات اجتماعی، آداب و رسوم، اعتقادات مذهبی و به طور کلی آن چه مربوط به ساختار آن جامعه است؛ در تعیین نوع مجازات‌ها و ضمانت اجرای کیفری، در تدوین قوانین، سیاست کیفری خاصی را دنبال می‌کنند. از طرف دیگر، نظام قضایی اکثر کشورها، تحت تأثیر جنبش‌های سیاست جنایی امروز، مجازات‌ها و ضمانت اجرای کیفری را نه برای سزا بلکه به خاطر اصلاح و درمان و دوباره اجتماعی کردن بزهکار اعمال می‌نمایند.

مجازات به عنوان هدف نهایی در رسیدگی‌های کیفری از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است، و در واقع نتیجه فعالیت‌های قضایی با تحقق این امر به صورت عدالت کیفری تجسم یافته و ارزشمندی اقدامات صورت گرفته به نحو کاملتر نمود پیدا می‌کند. با این حال صرف تعیین مجازات جهت رسیدن به مقصود نهایی کافی نیست بلکه اجرای آن به عنوان غایت و هدف آرمانی در راستای تحقق عدالت مطرح است. به عبارت دیگر بایستی گفت که هدف مورد انتظار از مجازات با اجرای آن حاصل می‌گردد که اصلاح و تربیت بزهکار و پیشگیری از وقوع جرم به شکل خاص نسبت به خود مجرم و شرکا یا معاونان وی و به شکل عام نسبت به جامعه به عنوان هدف عینی و استقرار عدالت و ایجاد و احساس امنیت در بین افراد جامعه و تشفی خاطر زیان‌دیده به عنوان هدف ذهنی و آرمانی، مطرح می‌گردد.^۱

در فرایند کیفری، اجرای احکام یکی از مهم‌ترین مراحل که نقش اساسی در احقاق حقوق افراد و جامعه را دارد، تلقی می‌شود. زیرا مراحل دیگر رسیدگی اعم از کشف، تعقیب، تحقیق

^۱ - جعفرزاده، فخرالدین، اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات دادیار، چاپ اول، ۱۳۸۶، اصفهان، ص ۱۵

و دادرسی برای رسیدن به این مرحله صورت می‌گیرد و نتیجه تمام تلاش‌هایی که در این فرایند که گاهی نیز بسیار طولانی است، در مرحله اجرا که آخرین مرحله رسیدگی است نهفته است. هر چند مراحل دیگر، با اقتدار، دقت و منطبق با موازین قانونی باشد، اگر مرحله نهایی که همان مرحله اجرای حکم قطعی است به نحو درست به اجرا گذاشته نشود، احقاق حق به درستی صورت نگرفته و کلیه زحمات و تلاش‌های انجام یافته تا این مرحله بی‌فایده خواهد بود. در حقیقت هدف از رسیدگی‌های کیفری این است که در صورت احراز وقوع جرم و صحت انتساب آن و محقق بودن مسئولیت کیفری متهم، مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی درباره او به موقع اجرا گذاشته شود؛ تا در جامعه هیچ بزهکاری کیفر ندیده و اصلاح نشده باقی نماند. هرگاه حکم صادره شده به موقع اجرا گذاشته نشود و یا در اعمال آن روش‌های صحیح تربیتی و آموزشی مورد عمل قرار نگیرد، تمام تلاش‌ها و کوشش‌های مراجع کیفری بی‌ثمر می‌ماند و بار مالی سنگینی بی جهت بر بودجه دولت و جامعه تحمیل می‌گردد و از دادرسی کیفری بهره واقعی به دست نمی‌آید.^۱

در دیدگاه اندیشمندان قدیمی از جمله بکاریا نیز آن چه اهمیت دارد، قطعیت و حتمیت اجرای مجازات است نه شدت اعمال آن، زیرا حتمیت اجرای مجازات بازدارندگی از ارتکاب جرم را تضمین می‌کند.^۲ هر گاه کسانی که خیال عمل مجرمانه را در سر می‌پروراندند اطمینان یابند که در صورت ارتکاب جرم به کیفر و سزای آن خواهند رسید از ارتکاب آن عمل امتناع می‌نمایند و این همان تأثیرگذاری اجرای مجازات به صورت علنی است، بنابراین آن چه به قطعیت بودن کیفرها خدشه وارد می‌آورد باید از میان برداشته شود.

۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، چاپ هفتم،

۱۳۸۷، تهران، ص ۱۰

۲- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، تهران، ص ۸۶

در دین مبین اسلام نیز توجه به بعد اجرایی مجازات از اهم مسائل تلقی شده است، به نظر می‌رسد این نحوه عمل در بدو امر در اجرای دستور خداوند متعال و در مرحله بعدی در جهت تأمین اهداف مجازات‌ها و سودمندی آن‌ها و اجرای عدالت می‌باشد. در هر صورت ارزش کار را در اجرای مجازات دانسته است نه صرفاً تعیین آن. با این اوصاف و با توجه به این که اجرای و تصدی این امر مهم بر عهده دستگاه قضایی قرار داده شده، بر این اساس می‌توان گفت دستگاه قضایی در راستای اعمال حق حالکیت، از ارکان اساسی و مهم حکومت قرار داده شده است. بدون تردید می‌توان گفت تعادل اجتماع و رشد و تعادلی آن در حد بسیار زیادی به وضع دستگاه قضایی ارتباط دارد و در متن دستگاه قضایی نیز نقطه اصلی مسئولیت بر عهده قضات دادگاه و دادسرا گذاشته شده است.

بنابراین به جرأت می‌توان گفت اقتدار یک کشور به دستگاه قضایی آن و اعتبار دستگاه قضایی نیز به اجرای حکم و تصمیمات قضایی اتخاذ شده در آن بستگی دارد. از این جهت می‌توان گفت مرحله اجرا، مرحله‌ای نیست که با درنگ و تردید و شک و تقاضای این و آن و سهل‌انگاری، از حرکت بازماند، بلکه مرحله اجرا مرحله برداشت محصولات در زمان درو می‌باشد و این‌جاست که احساس رضایت و امیدواری زحمت‌کشان را می‌توان مشاهده کرد.

در مرحله اجرای حکم است که نقش قاضی اجرا کننده مجازات‌ها نمایان شده و اوست که با اعمال صحیح قانون، حقوق افراد و جامعه را که بر اثر ارتکاب جرم از ناحیه محکوم علیه تضییع شده است را باز پس گرفته و به ذینفع مسترد می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت بدترین سخت‌ترین مرحله دادرسی اجرای احکام کیفری است. قاضی اجرای احکام باید دریایی از رحمت یا صخره‌ای سنگین باشد تا بتواند بار سخت اجرای حکم کیفری را تحمل کند. قاضی صادر کننده حکم به هنگام صدور حکم احساس الم و درد مستولی بر محکوم علیه و خانواده او

را به درستی درک نمی‌کند و این قاضی اجرای احکام است که تمامی بار را بر دوش دارد و درد و رنج ناشی از اجرای حکم را با تمام وجود حس و بر تمامی وجود او تأثیر می‌گذارد.^۱ صرف نظر از اهداف ویژگی‌های مجازات‌ها^۲ و دیدگاه‌های جرم‌شناسی مبنی بر مفید نبودن مجازات و تأکید بر اقدامات پیشگیرانه، آن چه قدر مسلم است و به عنوان یک اصل در همه نظام‌های حقوقی دنیا پذیرفته شده، این است که برای جلوگیری از نقض ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته نشده و انتظام امور جامعه و امنیت و آسایش فردی و جمعی، مقابله با بزه و سرکوب مجرم، اجتناب ناپذیر و لازمه حیات جوامع بشری است. این مهم زمانی محقق می‌شود که اولاً؛ مجازات، متناسب با بزه ارتكابی و میزان مسئولیت مجرم و توجه به شخصیت وی و تأثیر مجازات در نیل به اهداف از پیش تعیین شده باشد. ثانیاً؛ اعمال مجازات و نحوه اجرای آن مطابق اصول و موازین از پیش تعریف شده و روش‌های صحیح و منطقی باشد تا مسئولین و مأموران اجرای مجازات در عمل با نارسائی و بلا تکلیفی مواجه نباشد و مأموریت خود را به نحو احسن در برابر مقررات انجام دهند و از اعمال سلايق شخصی و تشنّت در اجرای احکام جلوگیری به عمل آید.

لازمه اول از قوانین ماهوی سرچشمه می‌گیرد و موضوع علم کیفرشناسی و از مباحث مربوطه به حقوق جزای عمومی است. لازمه دوم از قوانین شکلی نشأت می‌گیرد و موضوع علم اجرای مجازات‌هاست. در این زمینه تحقیقات چندانی صورت نگرفته و جامعه حقوقی و دستگاه قضائی در این بخش با مشکلات و معضلات زیادی روبروست.

اگر چه در زمینه چگونگی اجرای برخی مجازات‌ها، قوانین تصویب و آئین نامه‌هایی تدوین‌گردیده و سرلوحه کار قضاوت اجرای احکام کیفری قرار گرفته است با این حال، این

۱- بهرامی، بهرام، اجرای احکام کیفری، انتشارات تدریس، چاپ سوم، ۱۳۸۳، تهران، ص ۲
۲- برای مطالعه اهداف و ویژگی‌های مجازات‌ها ر. ک. به: ۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۰، تهران، ص ۱۲۸؛ ۲- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱، ۲، ۳)، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۱، تهران، ص ۲۸۳؛ ۳- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات مجد، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴، تهران ص ۳۰۲.

قوانین و آئین نامه‌ها به صورت پراکنده بوده و به طور یکجا و منظم گردآوری و تدوین نشده است. از سوی دیگر برخی مقررات اجرایی راجع به نحوه پاره‌ای از مجازات‌ها مانند حدود و قصاص در قانون مجازات اسلامی به صورت پراکنده در فصول مربوطه وضع گردیده است در حالی که مقررات مربوط به طرز اجرای مجازات‌ها از قوانین شکلی است نه ماهوی. بنابراین تشریح این مقررات ضمن تدوین قانون مجازات اسلامی که یک قانون ماهوی است صحیح و منطقی به نظر نمی‌رسد. همچنین، علیرغم تعدد و گستردگی، بسیاری از مسائل مورد لزوم در صحنه اجرا را پیش‌بینی نکرده و ناقص است. همچنین، گاه آئین نامه‌ها از حدود و ثغور قانونی خارج گردیده و به وضع قواعدی مغایر با اصول و موازین قانونی پرداخته است. در نتیجه دادستان‌ها و قضات مجری حکم همواره در بسیاری از مسائل مربوط به اجرای احکام کیفری دچار مشکل بوده و هر روز در نحوه و ترتیبات اجرای مجازات‌ها با بلا تکلیفی و ابهامات زیادی مواجه هستند، به طوری که بعضاً در مسئله واحد، رویه‌های مختلف اتخاذ می‌شود. در پاره‌ای موارد، حکم لازم الاجرا معطل و بدون اجرا باقی می‌ماند و در برخی موارد در اعمال مجازات‌ها از حدود مقرر قانونی تخطی شده، مجازات کمتر یا بیشتر از آن چه که مد نظر قانون‌گذار است اجرا می‌شود.

این نکته را اضافه کنید به این واقعیت تلخ که متأسفانه در واحدهای اجرای احکام کیفری، معمولاً از قضات جوان و بدون سابقه قضائی استفاده می‌شود و مهم‌ترین و حساس‌ترین فرایند از مراحل دادرسی کیفری به دست کسانی سپرده می‌شود که از تجربه و دانش لازم برخوردار نیستند و چه بسا خود این‌ها مشکلات جدیدی را تولید و چرخه احقاق حق و اجرای عدالت را به تأخیر انداخته یا تعطیل می‌نمایند.^۱

۱- در کشور فرانسه در حوزه هر دادگاه کیفری یک نفر از قضات عالی رتبه به عنوان قاضی اجرای حکم تعیین می‌شود. قاضی اجرای حکم از قضات نشسته به شمار می‌آید و از امتیازات و مصونیت‌های این دسته از قضات بهره‌مند است. این قاضی به پیشنهاد شورای عالی قضایی کشور مزبور برای مدت سه سال به این سمت انتخاب می‌شود؛ نقل از آخوندی، محمود، پیشین،

موضوع و انگیزه پژوهش:

موضوع تحقیق در این پژوهش، بررسی «نحوه اجرای احکام کیفری در خصوص مجازات‌ها بدنی در حقوق کیفری ایران» می‌باشد. اجرای احکام کیفری، چهارمین مرحله از فرایند رسیدگی به پرونده کیفری است و منظور از آن، مطالعه قوانین و مقرراتی است که بعد از صدور حکم قطعی و در مرحله اجرای کیفر باید مورد توجه قرار گیرد و از این لحاظ به مطالعات آیین دادرسی کیفری مربوط می‌شود و از قوانین شکلی است نه ماهوی. انگیزه انتخاب این پژوهش، تبیین کیفیت و ترتیبات اجرای احکام کیفری بدنی در حقوق ایران است؛ که بدین وسیله اهمیت موضوع و نارسایی‌ها و چالش‌های موجود به جامعه حقوقی نشان داده شود، تا با استفاده از سرمایه علمی و تجارب عملی، زمینه را برای تدوین یک قانون جامع و کامل آماده سازند.

طرح پرسش و ارائه فرضیه پژوهش:

پرسش‌های مطروحه در این پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- آیا بررسی پرونده کیفری پس از طی مراحل دادرسی و قطعیت حکم و ارجاع به اجرای احکام کیفری از سوی مقام مجری حکم، ضرورت دارد؟
- ۲- مقام مجری حکم در مواجهه با موجباتی که منجر به عدم اجرا یا تأخیر در اجرای حکم مجازات‌های بدنی می‌شود، چه وظیفه‌ای دارد؟
- ۳- آیا در خواست عفو محکوم به مجازات‌های مذکور در ماده ۴ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص و مصوب ۸۲، و تکلیف مقام مجری حکم در توقف اجرای حکم، در همه موارد مبنای شرعی و قانونی دارد؟

۱- گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، تهران، ص ۶

۴- آیا بی‌حسی اعضاء در اجرای مجازات‌های بدنی، جایز است؟

۵- در خصوص کیفیت اجرا و ابزار مورد استفاده در مجازات‌های بدنی، مقررات قانونی و

متون فقهی، موضوعیت دارد یا طریقت؟

ارائه نظریات قطعی، منوط به ابزار فرضیه‌هایی است، که در جهت کاربردی کردن اندیشه‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. موضوع پژوهش ما نیز بر فرضیاتی استوار است که برای تبیین بیشتر موضوع، به شرح زیر ارائه می‌شوند:

۱- مقام مجری حکم مجاز نیست تا احکام را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد، ولی گاهی

مواردی وجود دارد که بررسی پرونده از سوی وی ضرورت دارد.

۲- تکلیف مقام مجری حکم در اکثر موارد در مواجهه با این موانع به طور روشن و

مشخصی، تعیین نشده است و با ابهاماتی روبروست و قانون نیز در بیشتر این موارد تعیین

تکلیف نکرده که موجب ایجاد رویه‌های مختلف در واحد اجرای احکام کیفری شده است.

۳- پذیرش درخواست عفو محکوم به مجازات‌های مذکور ماده ۴ آیین‌نامه جدید و توقف

اجرای حکم، در خصوص مجازات اعدام تعزیری به طور مطلق و رجم با شرایطی و همچنین

مجازات قتل در برخی از جرایم با وجود شرایطی، وفق مبانی شرعی و قانونی است؛ اما در

خصوص سایر مجازات‌های قتل و همچنین صلب و قطع عضو به عنوان حد، فاقد جاهت و

مبنای شرعی و قانونی است.

۴- بحث بی‌حسی اعضاء هنگام اجرای مجازات، نشأت گرفته از پیشرفت‌های امروز بشری

در علم پزشکی است و از مستحدثه امور است. لذا در برخی موارد اجرای مجازات‌های بدنی

با توجه به دلایل تشریح آن‌ها، بی‌حسی منع شده و در برخی دیگر نیز جواز به بی‌حسی داده

شده یا حداقل منع نشده است.

۵- کیفیت اجرا و ابزار مورد استفاده در مجازات‌های سالب حیات در خصوص اعدام، قصاص نفس و قتل، مقررات قانونی و متون فقهی طریقت دارد و در خصوص مجازات رجم و صلب، شیوه اجرایی و ابزار مورد استفاده موضوعیت دارد. همچنین در خصوص مجازات قطع چه به عنوان حد و چه به عنوان قصاص نیز، شیوه و ابزار طریقی هستند برای نیل به مقصود.

هدف، روش و سابقه پژوهش:

هدف از طرح موضوع پژوهش و تحقیق راجع به آن، بسترسازی و توجه دادن به ضرورت تدوین و تصویب قانونی جامع و فراگیر در خصوص نحوه اجرای مجازات‌های بدنی و پایان دادن به مشکلات و نارسائی‌های موجود و رفع سرگردانی و بلاتکلیفی قضات و مأموران اجرای مجازات‌ها است.

همچنین این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که در آن سعی شده با ارائه نظریات مختلف و تجزیه و تحلیل آنها به اثبات فرضیات و پاسخ سؤالات پرداخته شود. روش تحقیق در این پژوهش نیز به روش کتابخانه‌ای بوده که برای جمع‌آوری اطلاعات و شناخت منابع مورد نیاز به کتابخانه‌های مختلفی مراجعه شده است.

در خصوص این پژوهش، تحقیقات و تألیفات در خصوص اجرای احکام به طور کلی صورت گرفته و به کیفیت اجرا زیاد توجه نشده و در برخی نیز صرفاً آئین نامه‌ها و رویه‌ها بیان شده و در مواردی نیز بررسی تطبیقی صورت گرفته است.

تقسیم بندی مطالب پژوهش:

مطالب این پژوهش در یک مقدمه و سه فصل و نتیجه‌گیری همراه با پیشنهاد به شرح ذیل تنظیم گردیده است:

فصل اول، تحت عنوان کلیات شامل دو مبحث است؛ که عبارتند از: ۱- ماهیت مجازات های بدنی و انواع آن. ۲- تحول اجرای احکام کیفری بدنی در ایران.

فصل دوم، در سه مبحث که عبارتند از: مبحث اول، حکم لازم الاجرا و مسئولیت اجرای حکم؛ مبحث دوم، بررسی پرونده جهت اجرای حکم و اشخاص حاضر در صحنه اجرا؛ مبحث سوم، موانع اجرای مجازات های بدنی.

فصل سوم، تحت عنوان کیفیت اجرای مجازات های بدنی است، این فصل در چهار مبحث بررسی شده است.

و در پایان مطالبی تحت عنوان نتیجه‌گیری و پیشنهاد بیان شده است.

فصل اوّل

کلیات

مجازات‌ها به طور کلی، یا ناظر بر جسم انسان است یا حقوق و آزادی‌های او را مورد تعرض قرار می‌دهد و یا دارایی‌ها و امکانات مالی را از او سلب می‌کند. مجازات‌های بدنی به اقسام کیفرهای سالب حیات، شلاق، قطع عضو و جرح عضو و مجازات‌های سالب آزادی و حقوق به زندان، تبعید و اقسام مجازات‌های سالب حق و مجازات‌های مالی به جزای نقدی، دیه، ضبط (مصادره) اموال و غیره تقسیم می‌شود. شناخت ماهیت و نحوه اجرای هر یک از انواع و اقسام مجازات‌ها، تابع اصول و قواعد خاصی است که در دیگری وجود ندارد و باعث تمایزشان می‌شود.

موضوع این فصل شناخت اجمالی هر یک از مجازات‌های بدنی در ماهیت و انواع آن و همچنین تحول اجرای این مجازات‌ها در ایران است.

مبحث اول: ماهیت مجازات‌های بدنی و انواع آن

گفتار اول: مجازات‌های بدنی سالب حیات

در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران مجازات‌های سالب حیات و طرق اجرای آنها مختلف است. این مجازات‌ها گاهی با عبارت اعدام، گاهی قتل، در برخی موارد رجم و صلب و زمانی هم به عنوان قصاص از آن تعبیر شده است.

اگر چه موضوع همه ی این مجازات‌ها سلب حیات و از بین بردن و طرد مجرم از صحنه روزگار است لکن از حیث ماهوی هر کدام از آن‌ها خصوصیت و ویژگی‌هایی دارند که هر یک را از دیگری متمایز کرده و هر کدام را در جایگاه خاص خود قرار می‌دهد و کارکردی متفاوت در آن‌ها ایجاد می‌نماید.

بند اول: اعدام (تعزیری)

اعدام در لغت از ماده عدم، به معنای نیستی و نقطه مقابل وجود است که به باب افعال برده شده و مفهوم تعدی از آن فهمیده می‌شود. بنابراین اعدام در لغت به معنای نیست و نابود کردن و در اصطلاح عبارت است از شدید کردن نوع مجازات که توسط مقنن وضع و مقرر گردید و به موجب آن حیات مجرم به طور کلی سلب گردیده و از ادامه زندگی بازمانده می‌شود. همانطور که در تعریف اعدام آورده‌اند: «ازاله حیات مجرم به سبب جرم در حقوق خصوصی یا عمومی.»^۱

برخی از انواع اعدام بر مبنای کتب فقهی تشریح شده است که در مواردی یا جزء کتاب حدود هستند یا جزء کتاب قصاص. اما برخی دیگر از اقسام کیفر اعدام بر اساس ضرورت حفظ نظم و امنیت و مصلحت عمومی مشروعیت یافته است، که بر خلاف حدود الهی قواعد تخفیف و

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط، جلد اول، انتشارات گنج‌دانش، ۱۳۷۸، تهران.

تعلیق شامل آنها می‌شود و مقررات مرور زمان در آن راه دارد. اما اینکه جزء مجازات‌های تعزیری هستند یا بازدارنده، محل بحث و گفتگو است. مانند مجازات اعدام برای اشخاصی که مرتکب یکی اعمال مجرمانه مستوجب اعدام مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر شوند. قانون‌گذار در مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی که در مقام تعریف مجازات تعزیری و بازدارنده است، تعریف دقیق و جامع و مانعی از این دو مجازات ارائه نداده و مرز این دو نوع مجازات را دقیقاً مشخص نکرده است و در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی که در مقام جرم‌انگاری و احصاء مصادیق جرائم تعزیری و بازدارنده است، هر دو را تحت یک عنوان بیان نموده است و مشخص نیست که هر یک از جرائم اعلامی، تحت شمول کدامیک از عناوین تعزیری یا بازدارنده است.

به همین علت در بسیاری از اعمال مجرمانه مذکور در ماده ۴۹۸ به بعد قانون مجازات اسلامی در تشخیص ماهیت جرم از حیث تعزیری یا بازدارنده بودن بین قضات اختلاف نظر وجود دارد. لکن مهم‌ترین ملاک در جرائم بازدارنده، جرم‌انگاری از طرف دستگاه حکومت (قوه مقننه) به منظور مقابله با اعمالی که کیان جامعه و نظم و امنیت و مصلحت عمومی را به مخاطره می‌اندازد، می‌باشد و مهم‌ترین ملاک در جرائم تعزیری، جرم‌انگاری از منظر فقه و موازین شرعی است. بر این اساس به نظر برخی از حقوق دانان^۱ کلیه اعمال مجرمانه مستلزم مجازات اعدام در قوانین مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام جزء مجازات‌های بازدارنده می‌باشد. زیرا در قوانین مصوب مجمع، جرم‌انگاری از طرف دستگاه حکومت به منظور حفظ کیان جامع و نظم و امنیت و مصلحت عمومی به عمل آمده است و در قوانین فقهی، سابقه

^۱ - احمدی موحد، اصغر، اجرای احکام کیفری، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶، تهران، ص ۵۳

جرم‌انگاری ندارد همچنانکه اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریات متعدد مشورتی خود بر این مبنا پافشاری نموده است.^۱

موارد اعدام تعزیری را می‌توان در قوانین متعددی جستجو کرد که برخی از این قوانین و مواردی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

۱- قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ با اصلاحات بعدی

به عنوان مثال: کشت خشخاش یا کوکائین یا شاهدانه برای تولید مواد مخدر در مرتبه چهارم (بند ۴ ماده ۲)؛ وارد کردن، صادر کردن، ارسال، تولید، ساخت، توزیع، فروش و یا در معرض فروش قرار دادن بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته و یا تفاله تریاک به مقدار بیش از پنج کیلوگرم مشروط بر اینکه برای بار اول نباشد و موفق به توزیع یا فروش هم شده باشد. (بند ۴ ماده ۴ و تبصره آن)؛ هرگاه در اثر تکرار، در مرتبه چهارم مجموع مواد مربوط به هرئین یا کوکائین یا مشتقات این دو به ۳۰ گرم برسد (ماده ۹)؛ قاچاق مسلحانه مواد مخدر با هر میزان مواد (ماده ۱۰)؛ و غیره

۲- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵^۲

در ماده ۴ قانون مزبور، کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند، مجازات آنها را مجازات مفسد فی الارض و اعدام مقرر نموده است.

۱- نظریه مشورتی ۷/۵۴۲۰ - ۱۳۸۰/۰۶/۰۶، ا.ح.ق. «تمام جرائمی که نوع و میزان آنها توسط قانون‌گذار (حکومت به معنی عام کلمه) تعیین شده است نه شرع، مجازات بازدارنده است. مانند مجازات‌های مذکور در کتاب پنجم در قانون مجازات اسلامی، این مجازات‌ها به لحاظ اینکه نوع و میزان و تعداد آنها از طرف شرع تعیین نگردیده است، مشمول عنوان تعزیری نیز می‌باشند. اما مواردی در قوانین جزائی آمده است که تعیین نوع و میزان مجازات‌ها را در اختیار حاکم گذارده است. مانند مجازات کسی که کمتر از چهار بار اقرار به زنا کند. (موضوع ماده ۶۸ ق.م.ا) این قبیل موارد فقط داخل در عنوان تعزیر می‌باشند نه مجازات بازدارنده بنابراین در خصوص ملاک تفکیک مجازات‌های بازدارنده از مجازات‌های تعزیری باید گفت، بین مجازات‌های تعزیری و بازدارنده: عموم و خصوص مطلق می‌باشند یعنی تعزیر اعم است و مجازات‌های بازدارنده اخص ...»

^۲ نقل در روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۷/۱۰/۱۸-۱۲۷۸۰

۳- قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان اسکناس مجعول

مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۹^۱

بر اساس ماده واحد قانون مذکور، هر کس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا به واسطه جعل کند یا با علم به جعلی بودن توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باند باشد و یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد، به اعدام محکوم می‌شود. همچنین عامل عامد و عالم ورود اسکناس مجعول به کشور به عنوان مفسد به اعدام محکوم می‌گردد.

۴- قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹

بر اساس ماده یک و دو قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۹ آذر ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی،^۲ ارتکاب هر یک از اعمال مشروحه ذیل چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام، چنانچه در حد افساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد:

- اخلاص در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن و توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آنها.
- اخلاص در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها.

و غیره

۴- قانون مجازات اسلامی

^۱ نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۲۸۷۵-۱۳۶۸/۲/۲۱

^۲ نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۳۳۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۴

- تشکیل دسته یا جمعیت به قصد بر هم زدن امنیت کشور که مرتکب، محارب شناخته شود
(ماده ۴۹۸ ق.م.ا)

- تحریک مؤثر نیروهای مسلح به عصیان به قصد براندازی نظام و یا شکست نیروهای خودی
(ماده ۵۰۴ ق.م.ا)

- همکاری با دول خارجی متخاصم در صورتیکه مرتکب، محارب شناخته شود. (ماده ۵۰۸ ق.م.ا)

- سب النبی (ماده ۵۱۳ ق.م.ا)

- سوء قصد به جان مقامات سیاسی و مذهبی داخلی در صورتی که مرتکب، محاربه شناخته شود
(ماده ۵۱۵ ق.م.ا)

- اخلال در وضع پولی و بانکی کشور در صورتی که مرتکب، محارب شناخته شود (ماده ۵۲۶ ق.م.ا)

- اجتماع و تیبانی برای ارتکاب جرائم ضد امنیت داخلی یا خارجی در صورتی که مرتکب، محارب شناخته شود. (ماده ۶۱۰ ق.م.ا)

- تحریق اموال به قصد مقابله به حکومت اسلامی (ماده ۶۷۵ ق.م.ا)

- نهب غارت اموال در صورتی که مرتکبین سه نفر یا بیشتر باشند و محارب شناخته شوند.
(ماده ۶۸۳ ق.م.ا)

- تخریب تأسیسات عمومی به قصد مقابله با حکومت اسلامی (ماده ۶۸۷ ق.م.ا)

۵- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹

به عنوان مثال:

- طراحی یا اقدام به براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق تشکیل یا اداره جمعیت یا معاونت یا شرکت در تشکیل یا اداره یا اداره جمعیت (م ۱۷)

- اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت یا استقلال کشور (م ۲۰)

- تبنانی با دشمن به منظور براندازی نظام (بند ب ماده ۲۱)

- تسلیم اسرار نظامی، سیاسی و یا به دشمنان داخلی و خارجی (بند ج ماده ۲۴)

- و غیره

بند دوم: قتل

موضوع این نوع مجازات نیز سلب حیات از یک انسان است. کیفر قتل بر اساس متون و نصوص فقهی تشریح شده است و با اصطلاح اعدام به کار برده می‌شود ولی باید توجه داشت این قبیل اعدام‌ها جزء حدود^۱ هستند و تغییر ناپذیرند و تخفیف و تعلیق در آنها راه ندارد و مشمول مقررات مرور زمان هم نمی‌شوند. مانند مجازات اعدام برای مرتکب جرم محاربه و فساد در زمین و نیز تجاوز به عنف و سایر جرایمی که به موجب قوانین و مقررات شرعی، مرتکب آن مستوجب اعدام یا قتل است.

۱- زنا با محارم نسبی (بند الف ماده ۸۲ ق.م.ا)

۲- زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است (بند ب ماده ۸۲ ق.م.ا)

۳- زنا به عنف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است (بند د ماده ۸۲ ق.م.ا)

۴- لواط (ماده ۱۱۰ ق.م.ا)

۵- سلب آزادی و امنیت مردم از طریق کاربرد اسلحه (ماده ۱۸۳ ق.م.ا)

۶- سرقت مسلحانه و راهزنی به صورتی که امنیت مردم یا جاده را مختل نموده و رعب و

وحشت ایجاد کند (ماده ۱۸۵ ق.م.ا)

۷- قیام مسلحانه در مقابل حکومت اسلامی (ماده ۱۸۶ ق.م.ا)

^۱ ماده ۱۳ ق.م.ا «حد به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.»